

نگرشی بر قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام

■ احمد موبدی

مقدمه:

سألهاست که جامعه شناسان، جرم شناسان و مسئولان و برنامه ریزان سیاست جنایی توجه همگان را نسبت به میزان فزاینده بزهکاری مواد مخدر اعم از اعتیاد و قاچاق آن جلب کرده اند و در این بین رسانه های گروهی نیز موجبات حساسیت افکار عمومی را فراهم آورده است. در مقابل افزایش استعمال مواد مخدر نخستین واکنش به صورت افزایش مجازات متجلی می شود، اما واکنش یک سیاست جنایی صحیح در برابر کسانی که تنها به مصرف مواد مخدر می پردازند و به ویژه برای مرتکبین که پیش از آنکه مجرم قلمداد شوند قربانی این مواد هستند، یک نظام مبتنی بر درمان توأم با حذف مجازات می باشد و البته این پیشگیری درمانی با نظارت مراجع قضایی و با جلب نظر متخصصان درمان خواهد بود. اما در خصوص قاچاقچیان مواد مخدر بسیاری از کشورها حتی کشورهای اروپای غربی نیز نسبت به اعمال مجازات های شدید اتفاق نظر دارند. لیکن در اغلب اوقات تفکیک بین مصرف کننده از قاچاقچی مواد مخدر مشکل است.

بسیاری از مصرف کنندگان به لحاظ فقر مالی دست به قاچاق مواد مخدر می زنند و یا حتی مرتکب جرایم دیگری نظیر سرقت می شوند.

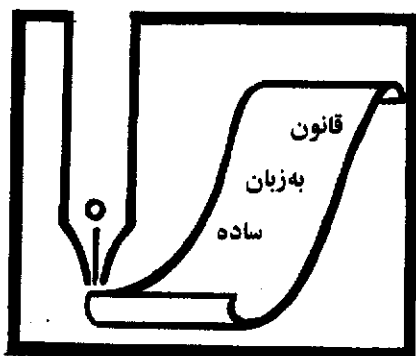
در این رهگذر بدون داشتن قوانینی که برگرفته از یک سیاست جنایی - علمی، تحقیقی و منطبق با وضعیت کنونی و پیش بینی آینده این معضل اجتماعی و افراد درگیر در آن، توأم با ضمانت اجرایی دقیق، متناسب و علمی باشد، امکان موفقیت را غیر ممکن می سازد.

در سال ۶۷ مسئولین و دست اندرکاران امر مبارزه با مواد مخدر با نگرش به رشد فزاینده اعتیاد و قاچاق مواد مخدر و باهدف مبارزه قاطع با این بلیه اجتماعی مصوبه ای را در ۳۵ ماده تدوین و از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رساندند. اما هنوز مدتی از اجرای آن نگذشته بود که نواقص مصوبه مذکور در اجرا هویدا شد و لذا به مرور با اصلاحاتی که در مواد آن صورت می گرفت، سعی می شد تا حد امکان موانع قانونی فراروی امر مبارزه مرتفع گردد.

گسترش عرضه و تقاضای مواد مخدر در جامعه اسلامی ایران دولت را مجبور به

بازنگری در مواد مصوبه اخیرالذکر نمود و در این راستا مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه ای را مشتمل بر ۴۲ ماده و ۲۵ تبصره در سال ۷۶ از تصویب گذراند، لیکن به دلایل نامعلومی مصوبه خود را جهت اجرا در اختیار محاکم قرار نداد تا اینکه اخیراً روزنامه رسمی در شماره ۱۵۵۹ مورخ ۷۷/۶/۱۵ این مقررات را با تغییراتی جزئی نسبت به قانون سال ۷۶ منتشر نمود. از توجه به تغییراتی که در مواد قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۶۷/۸/۳ نسبت به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۶۷ صورت پذیرفته می توان به اهداف و دیدگاههای قانونگذار در ایجاد این تغییرات پی برد.

اگرچه تغییرات مذکور تا حدودی ایرادات وارد بر قانون سابق را مرتفع ساخته، لیکن با استمرار حیات برخی از ابهامات و خلاءهای قانونگذاری، دولت را از دست یافتن به اهداف مورد نظر باز خواهد داشت. اصلاحاتی که در کیفرهای پیش بینی شده در قانون جدید مبارزه با مواد مخدر صورت پذیرفته از یک نظام هماهنگ و منطقی که حاکم بر کلیه مواد این



است لیکن اخذ آن از معتاد در مانده‌ای که اعتیاد قدرت خرید مقدار جزئی مواد مخدر را نیز از او ستانده و وی را اجباراً به جرایم دیگری نظیر توزیع یا خرده فروشی مواد مخدر و یا سرقت اجناس خرد و ریز سوق داده غیر ممکن خواهد بود و از طرفی گسیل افراد معتاد به زندان‌های چیزی جز ابتلای سایر زندانیان را به دنبال ندارد.

پرداختن به کلیه ابعاد معضل عرضه و تقاضای مواد مخدر و برخورد صحیح و اصولی و پیروی از یک سیاست منسجم و منطقی برگرفته از تحقیقات و پژوهش‌های علمی - کاربردی و اتخاذ واکنش مناسب با توجه به شخصیت مجرم و نوع جرم ارتكابی از موضوعات اساسی در تدوین یک سیاست جنایی مطلوب می‌باشد.

در زیر مواد قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن براساس موضوعات مطروحه در این قانون به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱) اعتیاد به مواد مخدر

۲) قاچاق مواد مخدر

۳) آیین دادرسی جرایم مواد مخدر

فصل اول - اعتیاد به مواد مخدر

الف) اعتیاد:

قانونگذار در ماده ۱۵ اعتیاد را جرم دانسته، لیکن به کلیه معتادان این فرصت را داده تا جهت درمان و بازپروری خود به مراکز مجازی که از طرف سازمان بهزیستی (وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) تعیین می‌شود مراجعه نمایند و تبصره یک این ماده به پیروی از سیاست مذکور مقرر می‌دارد «معتادان مذکور در طول مدت درمان و بازپروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف می‌باشند».

قانون باشد برخوردار نیست، به عنوان مثال، در مواردی چون مواد ۴، ۳، ۲ این قانون مجازاتهای مقرر (خصوصاً جزای نقدی) تا حدود ده برابر و در برخی از مواد نظیر ۵ و ۹ تا دو برابر افزایش یافته و این در حالی است که کیفرهای سالب آزادی در مواردی چون بند ۲ ماده ۴ که در قانون سابق ۱ تا ۵ سال حبس برای مرتکب آن پیش‌بینی شده بود به «تا ۳ سال» حبس کاهش یافته لیکن در مواردی نظیر بند ۳ و ۴ ماده ۸ تغییری در میزان کیفر حبس داده نشده است.

در خصوص مجازات اعدام نیز به نظر می‌رسد قانونگذار در قانون جدید تا حد امکان از توسل به آن اجتناب نموده و موارد اعمال آن را به اقل ممکن کاهش داده به عنوان نمونه در بند ۴ ماده ۵ که در قانون سابق در مرتبه دوم اعدام را کیفر مرتکب مقرر نموده بود در قانون لاحق در مرحله سوم این مجازات به مرتکب آن تحمیل می‌گردد.

در مجموع می‌توان بر این عقیده بود که قانونگذار نظر بر کاهش مجازاتهای سالب آزادی و افزایش کیفرهای نقدی داشته، اما از آنجایی که این قانون دو گروه از مرتکبین را دربر می‌گیرد که کنش آنها در مقابل نواهی قانونگذار از جهات مختلف متفاوت بوده و به همین دلیل اتخاذ سیاست کیفری واحد در یک قانون برای این هر دو گروه ما را از رسیدن به اهداف مورد نظر که همان کاهش یا حتی محدودیت عرضه و تقاضای مواد مخدر در جامعه می‌باشد بازخواهد داشت. چراکه مثلاً پرداخت مبالغ معتابهی کیفر نقدی از سوی قاچاقچیان این مواد به راحتی امکان‌پذیر

• گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عودن داخلی و خارجی از طرف دولت باید به تصویب مجلس شورای اسلامی باشد

اصل ۸۰ قانون اساسی

• دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است

اصل ۸۱ قانون اساسی

• اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است

ماده ۱۲۶۱ قانون مدنی

• اگر قیم محزون یا فاقد رشد گردد معزل می‌شود.

ماده ۱۲۳۹ قانون مدنی

• قسم نسبی توانست دعوی مربوط به مولی علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العلوم.

ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی

• طفل باید مطیع ابروی خود بوده و در هر سنی که باشند باید به آنها احترام کند.

ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی

• ولی محزون دائمی می‌تواند در صورت مصلحت مولی علیه زن او را طلاق دهد.

ماده ۱۱۳۷ قانون مدنی

از مسنوق ماده چنین برمی آید که این نوع تعقیب نوعی تعلیق قانونی باشد و دادگاههای انقلاب اسلامی را موظف نموده تا نسبت به موقوف نمودن موقت تعقیب اقدام کنند.

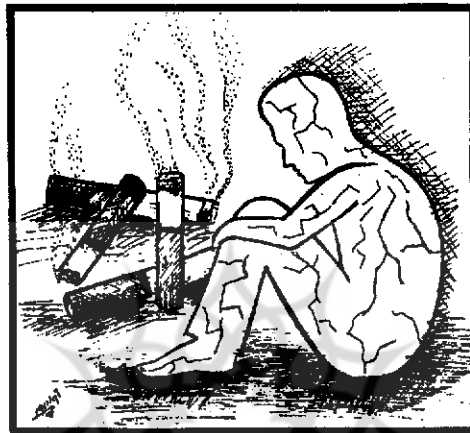
اولاً؛ مهلتی جهت ترک اعتیاد تعیین نشده و معتادین در هر سن و سالی که باشند و در هر زمان (تا زمان لازم الاجرا بودن قانون) می توانند از معافیت قانونی مذکور استفاده کنند.

ثانیاً؛ معتادان به کرات می توانند با توسل به این موضوع که مشغول ترک اعتیاد در مراکز معینه هستند از تعقیب کیفری بگریزند. اگرچه قانونگذار هزینه های درمان، دارو و بازپروری را به معتاد تحمیل نموده لیکن در صورتی که فرد قادر به پرداخت این هزینه ها نباشد سازمان بهزیستی از ردیف بودجه ای که همه ساله توسط دولت پیش بینی و تأمین می گردد هزینه های متعلقه را می پردازد. بازتاب اجرای قانون جدید این خواهد بود که چنانچه معتادین رغبتی به ترک اعتیاد نشان ندهند، وظیفه جامعه در تأمین سلامت و امنیت اعضا آن، با توجه به وظایف ذاتی دولت و تکالیف مقرر از سوی قانون اساسی در حاله ای از ابهام قرار می گیرد خصوصاً اینکه مجازات تکرار کنندگان جرم برخلاف اصول حقوقی و جرم شناسی خفت کیفر می باشد، اگرچه عملکرد مراکز بازپروری و اردوگاههای کاردرمانی، ناامید کننده بود، اما حذف آنها نیز جامعه را در مقابل استمرار فعالیت این مجرمین خلع سلاح می کند.

ماده ۱۶ این قانون برای معتادین که از معافیت مقرر در ماده ۱۵ استفاده نکرده و

برای اعتیاد خود اصرار ورزند تعیین کیفر نموده و آنان را مشمول مجازات شلاق و جزای نقدی دانسته.

اولاً؛ با توجه به مفاد ماده اخیرالذکر کلیه اردوگاههای کاردرمانی و بازپروری محکوم به تعطیلی است چراکه از نظر قانون جدید، مجازات معتادینی که اقدام به ترک اعتیاد نکنند صرفاً جزای نقدی و شلاق می باشد و در صورت تکرار فقط مجازات شلاق تا حداکثر میزان مقرر در



این ماده یعنی ۷۴ ضربه قابل اعمال است و لذا پیش بینی می شود از این پس شاهد جسارت افراد به استعمال مواد افیونی حتی در معابر باشیم چراکه مجازاتها نقش تریبی و بازدارندگی را ایفا نمی کنند.

ثانیاً؛ معتادان پس از دستگیری و پرداخت جزای نقدی و تحمل شلاق آزاد می شدند بدون آنکه درخصوص درمان آنها اقدامی صورت گرفته باشد. تبصره ۳ ماده ۱۵ نیز که دولت را مکلف به احیا و ایجاد اردوگاههای بازپروری معتادین به مواد مخدر نموده امر فاقد محملی را تصریح کرده، چراکه کیفر اعتیاد به مواد مخدر طبق ماده ۱۵، شلاق و جزای نقدی است و در این صورت حاکم دادگاه به استناد چه قانونی می تواند چنین افرادی

را به مراکز بازپروری گسیل نماید؟ حتی اعزام معتادان به اردوگاههای بازپروری از مصادیق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به شمار نمی رود تا بتوان با تمسک به این ماده این گونه افراد را راهی مراکز مذکور نمود. قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹ نیز که اعزام معتادان را به مراکز ترک اعتیاد در ماده ۷ خود پیش بینی نموده، شرط اجرای این قانون را از تاریخی دانسته که مؤسسات لازم برای اجرای اقدامات تأمینی مندرج در این ماده به وجود آمده باشد و مراتب هم از طرف وزارت دادگستری اعلام گردد. لیکن وزارت دادگستری هنوز نسبت به اجرای این قانون اقدامی را به عمل نیاورده و لذا از این جهت نیز امکان اعزام معتادین به اردوگاههای بازپروری میسر نیست.

ماده ۴۲ این قانون به قوه قضائیه

اجازه تأسیس اردوگاههای خاص (با شرایط سخت و عادی) را داده است تا دادگاهها بتوانند به جای کیفر حبس کیفر توقف در اردوگاهها را برای محکومین معین نمایند. با توجه به اینکه آیین نامه اجرایی این قانون در حال حاضر در دست تهیه و تدوین می باشد و هنوز به تصویب نرسیده، لذا هنوز هدف و منظور قانونگذار از تأسیس این مراکز و چگونگی اجرای مجازات در آنها مشخص نشده. اما از آنجایی که ماده موصوف اطلاق داشته و عبارت محکومین شامل معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر می شود لذا به نظر می رسد امکان اعزام معتادان به اردوگاههای خاص نیز وجود داشته باشد مگر اینکه قائل به مجازات مذکور در ماده

۱۵ باشیم که در آن صورت این مراکز منحصراً به محکومین قاچاق مواد مخدر تعلق خواهد داشت. هر چند برخی بر این عقیده‌اند که دادگاهها می‌توانند به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی جزای نقدی و کیفر شلاق را به حبس یا توقف در اردوگاههای بازپروری یا اردوگاههای خاص (با شرایط سخت و عادی) تبدیل نمایند و در این صورت امکان حضور معتادان در آن مراکز فراهم می‌آید. این استدلال بیشتر از آن جهت قوت می‌گیرد که قانونگذار در ماده ۲۲ تشخیص کیفر مناسبتر به حال متهم را بر عهده قاضی دادگاه قرار داده و نه به اختیار متهم یا محکوم. اما پذیرش این نظر با توجه به عنوان فصل مربوط در قانون مجازات اسلامی قابل تأمل می‌باشد.

قسمت اخیر ماده ۱۶ این قانون اشتغال مجدد معتادی که ترک اعتیاد کرده باشد را منوط به طی تشریفات استخدامی نموده. با عنایت به اینکه اجرای کلیه مراحل استخدامی، فردی را که مهیای بازگشت به زندگی عادی بوده مواجه با موانع بی‌شماری می‌نماید. لذا از اجرای مفاد ماده مذکور توفیق چندانی عاید جامعه نخواهد شد و بهتر می‌بود که امکان اشتغال به کار فردی که ترک کامل اعتیاد می‌نماید بلافاصله پس از ترک اعتیاد فراهم آید تا افراد با انگیزه بیشتری به درمان خود بپردازند و یا اخراج وی از شغل سابقش موکول به مراحل دوم یا سوم شود. در این راستا تصویب آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر جای بسی تشکر و قدردانی دارد.

ب) جرایم مربوط به آلات و ادوات استعمال مواد مخدر

قانونگذار در ماده ۲۰ کیفر مرتکبین نگهداری، حمل و اخفا آلات و ادوات استعمال مواد مخدر را علاوه بر ضبط آنها به ازای هر عدد صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق تعیین نموده است. مستنبط از مفاد این ماده میزان مجازات براساس تعداد آلات و ادوات استعمال مواد مخدر خواهد بود. اما چنانچه آلات و ادوات متعدد در استعمال یک ماده مخدر به کار رود همان‌گونه که در نگاری و وافور چنین است، آیا تعدد آلات و ادوات موجب تعدد مجازاتهای مقرر در این ماده می‌گردد و یا به ازاکلیه این آلات و ادوات یک کیفر در نظر گرفته می‌شود؟

همچنین قانونگذار در این ماده ذکری از صادرات آلات و ادوات به میان نیاورده و لذا به نظر می‌رسد صدور (خروج) آلات و ادوات تولید یا استعمال مواد مخدر و نیز مرتکبین نگهداری - اخفا یا محل آلات و ادوات تولید مواد مخدر جرم نباشد.

برخی از استعمال کنندگان مواد مخدر از وسایلی نظیر سوزن و سیخ و قلقلی جهت استعمال تریاک و مشتقات مشابه آن استفاده می‌کنند. اما از آنجایی که این وسایل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر به‌شمار نمی‌رود. لذا موضوع نیز از شمول مقررات مذکور خارج خواهد بود.

ج) حمل یا خرید مواد مخدر توسط فرد معتاد
با توجه به اینکه هدف نهایی قانونگذار در این قانون برگرداندن فرد معتاد به عنوان یک فرد سالم می‌باشد و این امر با جلوگیری از گسیل فرد معتاد به زندان و

• دولت مسی نتواند از دواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که نتیجه خارجه باشد موکول به اجازه مخصوص نماید.

ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی

• اگر کسی یا پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.

ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی

• هر زنی را که خالی از موانع نکاح نباشد می‌توان خواستگاری نمود.

ماده ۱۰۳۲ قانون مدنی

• اگر در مدت اجاره در عین مستأجره تعمیراتی لازم آید که تأخیر در آن موجب ضرر موجر باشد مستأجر نمی‌تواند مانع تعمیرات مربوط گردد اگرچه در مدت تمام یا قسمتی از زمان تعمیر نتواند از عین مستأجره کلاً یا بعضاً استفاده نماید در این صورت حق فسخ اجازه را خواهند داشت.

ماده ۴۸۵ قانون مدنی

• شهادت شهرد باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشند و شهادت حدسی معتبر نیست.

ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی

• زنی زن محصنه با نابالغ موجب حد نازایانه است.

تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی

• هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود.

ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی

• حضور شاهد هنگام اجرای حد رجیم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط

تشویق و ترغیب او به ترک اعتیاد تأمین می‌گردد. لذا ضروری است قانون مبارزه با مواد مخدر در موارد زیر منطبق با این سیاست مبتنی بر درمان و بازپروری شود. با توجه به رویه سابق دیوان عالی کشور، در صورتی که فرد معتاد اقدام به خرید یا حمل مقدار جزئی مواد مخدر نماید، به لحاظ اینکه اعتیاد ملازم با حمل یا خرید مواد جهت مصرف دارد. لذا حمل، نگهداری یا خرید مقدار جزئی مواد جرم جداگانه شناخته نشده و مرتکب از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد. به این جهت انطباق مواد ۴ به بعد قانون مزبور با این سیاست ضروری به نظر می‌رسد.

کیفرهای نقدی که در بند یک مواد ۴ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر پیش بینی شده که در اکثریت موارد افراد معتاد را شامل می‌شود که به لحاظ شرایط ویژه و عدم تمکن مالی منجر به زندانی شدن آنها می‌شود که این امر نه تنها هدف درمان و بازپروری شخص معتاد فراهم نمی‌آورد بلکه موجب آلوده شدن سایر زندانیان نیز می‌گردد.

ت) عدم تعیین کیفر برای استعمال برخی از مواد

قانونگذار در ماده ۱۶ برای معتادان به مواد مخدر مذکور در دو ماده ۴ و ۸ این قانون تعیین مجازات ننموده لیکن برای استعمال غیر مجاز مواد مندرج در فهرست چهارگانه قانون مربوط به مواد روانگردان مصوب سال ۱۳۵۴ مجازاتی در نظر نگرفته است. لذا ضروری به نظر می‌رسد که نسبت به این مواد نیز تعیین تکلیف گردد.

فصل دوم - قاچاق مواد مخدر

الف) ضبط یا مصادره اموال

مستفاد از ماده ۲۸ قانون جدید التصویب

کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط می‌شود.

اولاً: در خصوص نحوه تحقیق و بررسی اموال حاصل از قاچاق در عمل مشکلات فراوانی وجود دارد به گونه‌ای که قانون جوابگویی نیاز مسئولان و دست‌اندرکاران امر تحقیق نمی‌باشد و



به دلیل تأخیر در رسیدگی یادشدگان با استفاده از معاملات صوری اموال خود را به دیگران منتقل می‌کنند. لذا در هنگام صدور حکم اموال چندانی از آنان شناسایی نمی‌شود.

ثانیاً: از مقایسه ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر با مواد مندرج در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان نتیجه گرفت که حتی در مواردی که ضبط اموال مشمول ماده ۲۸ نگردد به استفاده از قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ می‌توان نسبت به مصادره اموال مرتکبین قاچاق اقدام نمود.

برابر ماده ۲۰ قانون اخیر التصویب وسایل نقلیه‌ای که حامل مواد شناخته

می‌شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد. با عنایت به اینکه میزان مسواد مکشوفه در خودروی حامل مواد مخدر مشخص نشده و ملاک و معیاری در این زمینه به دست نداد، لذا همین امر موجب برداشت چندگانه و صدور احکام متهاافت از سوی محاکم گردیده. به نظر می‌رسد خودرو در صورتی حامل مواد مخدر شناخته شود که عرفاً حمل آن مقدار مواد توسط افراد صورت نگیرد. لذا در صورتی که مواد به میزانی باشد که عرفاً آن مقدار مواد توسط افراد حمل می‌گردد. خودرو حامل مواد شناخته شده و قابل ضبط و توقیف نخواهد بود.

همچنین معلوم نیست منظور قانونگذار از عبارت «در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد» انتقال مالکیت وسایل نقلیه به سازمان کاشف است و یا اینکه منظور منتفع شدن آن سازمان بوده لیکن مالکیت از آن ستاد است. همان‌گونه که در عقد عاریه، مستعیر از مال، انتفاع مجانی می‌برد ولی مالکیت مالک در این عقد محفوظ می‌ماند. و این ابهام موجب شده در مواردی که وسیله نقلیه در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد ولی مالک اصلی عدم اطلاع خود را از استفاده مرتکب از وسیله نقلیه‌اش به اثبات می‌رساند. با مقاومت سازمان کاشف از برگرداندن وسیله مذکور مواجه و مالک ناگزیر به دریافت ارزش کارشناسی شده آن خودرو از ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گردد. موضوع قابل تأمل این است که آیا مقررات مربوط به تخفیف خصوصاً در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی شامل ضبط

وسيله نقلیه حامل مواد مخدر می شود و اگر چنین است آیا می توان به این استناد و سایل نقلیه موضوع ماده ۳۰ قانون مبارزه با مواد مخدر را به مالکش مسترد کرد؟

از آنجایی که ماده ۳۰ راجع به ضبط و سایل نقلیه حامل مواد مخدر در واقع ناشی از همان مقررات ماده ۵ قانون راجع مجازات اسلامی بوده است که آن مقررات بعینه در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی آمده است و عنوان مجازات ندارد و چون مقررات ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در باب تخفیف صرفاً ناظر به مجازاتهای جرایم تعزیری و یا بازدارنده است و با توجه به اینکه ضبط اموال مذکور در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و نیز ضبط و سایل نقلیه حامل مواد مخدر مندرج در ماده ۳۰ مصوبه یادشده مجازات نیست بلکه جدا از مجازات یک حکم قانونی است بنابراین موضوع ماده ۳۰ اخیرالذکر از شمول ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی خارج است و در این مورد دادگاه از باب تخفیف، حق استرداد اتومبیل حامل مواد مخدر را به مالک ندارد. (نظریه شماره ۷/۳۷۳۳- ۷۲/۸/۹- اداره حقوقی قوه قضائیه)

همچنین است در موردی که دادگاه برابر مواد قانون مبارزه با مواد مخدر حکم به مصادره اموال صادر نماید. با توجه به اینکه اموالی که به موجب قانون بایستی مصادره شود به استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی قابل تبدیل به جزای نقدی نیست زیرا مصادره اموال از مجازاتهای مندرج در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به شمار نمی رود و جدا از مجازات یک حکم قانونی است بایستی به

آن عمل شود. (نظریه شماره ۷/۷۴۵۵- ۷۳/۱/۱۳- قوه قضائیه).

ب) تقسیط جزای نقدی مورد حکم

مستفاد از ماده ۳۱ قانون جدیدالتصویب محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند به لحاظ شرایط مقرر در این ماده مجبوس و یا روانه مراکز اشتغال و حرفه آموزی می شوند. تبصره یک این ماده تقسیط جزای نقدی مورد حکم پس از اجرای مدت حبس توسط اجرای احکام را منوط به اخذ وثیقه ای معادل آن و تضمین معتبر از طرف شخص ثالث که مدت آن بیش از سه سال نباشد، نموده است.

نظر به اینکه کیفرهای نقدی مقرر در بسیاری از مواد این قانون به میزانی است که امکان پرداخت آن در مدت پیش بینی شده در تبصره مذکور توسط محکومین میسر نیست و حتی اگر متهم تعهد انجام چنین تکلیف مالیاتی را بنماید چاره ای جز داخل شدن در باندهای قاچاق مواد مخدر و یا ارتکاب جرایم مالی ندارد. در غیر این صورت امکان تأمین مبالغ تقسیط شده برای آنان ممکن نخواهد بود و لذا ضروری است به تبعیت از هدف قانونگذار که همان جلوگیری از حضور محکوم در زندان و رفع تبعات ناشی از حضور یادشده در زندان می باشد، قید مندرج در تبصره موصوف حذف تا محاکم با توجه به وضعیت محکومین مهلت متناسبی را تعیین و محکوم را ملزم به پرداخت جزای نقدی در آن مدت بنمایند.

ج) عنوان افساد فی الارض در قانون

مبارزه با مواد مخدر

در استناد ماده ۹ قانون مورد اشاره

نمی شود لذا با اقرار آنها حد ساقط می شود.

ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی

• چنانچه قاتل قبل از تحویل جسد یا به نحو دیگری تحویل وی متعذر شود فرد فراری دهنده ضمانت دبه مقبول است.

تبصره ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی

• جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطاه محض و برعهده عاقله می باشد.

تبصره ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی

• هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده دار نخواهد بود مگر آنکه آن را بطوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می شود.

ماده ۳۲۷ قانون مجازات اسلامی

• هرگاه کسی دیوار دیگری را محرف و مایل به سقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده دار خسارت خواهد بود.

ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی

• هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زنده عهده دار خسارتهای وارده نخواهد بود.

ماده ۳۶۲ قانون مجازات اسلامی

• هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.

ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی

• هر کسی به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران

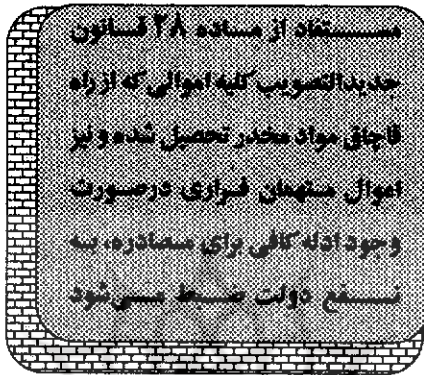
مجازاتهای مرتکبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد حداکثر ۷۴ ضربه می باشد. چنانچه در مرحله چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود.

نظر به اینکه عنوان افساد فی الارض که در این ماده بکار رفته با ماده ۳۸ خصوصاً تبصره آن - در خصوص عفو و تخفیف محکومینی که تحت این عنوان گرفتار شده اند - در تعارض است و با توجه به اینکه افساد فی الارض که در باب هفتم از قانون مجازات اسلامی استعمال گردیده نوعی حد بوده که با عنایت به ماده ۱۳ همین قانون نوع و میزان آن در شرع تعیین شده و علی القاعده قاضی حق دخل و تصرف در آن را ندارد و نمی تواند با استمداد از ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی از اجرای کامل آن عدول نماید. لذا ضروری است چنانچه تخفیف این دسته از مرتکبین ملحوظ نظر قانونگذار می باشد این عنوان از ماده ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر حذف تا منطبق با ماده ۶ این قانون گردد.

د) تغییر برخی از عبارات در قانون

نظر به اینکه ارتکاب برخی از اعمال مجرمانه در قالب عناوین خرید و یا فروش مواد مخدر قرار نمی گیرد، لذا به منظور رفع هرگونه ابهامی پیشنهاد می شود که بجای عبارات "خرید" و "فروش" به ترتیب "دراختیارگرفتن" و "انتقال

مواد مخدر به هر نحوی جایگزین گردد. همچنین با توجه به ماده ۲۹ قانون امور گمرکی که صادر کردن کالا را منحصر به خروج قانونی آنها و انجام تشریفات گمرکی نموده، لذا لازم است با توجه به اینکه برابر مقررات جاری اشخاص مجاز به صادرات مواد مخدر نمی باشند. لذا می بایست عبارت "خروج مواد مخدر" به "صادر کردن مواد مخدر" اصلاح شود. در تبصره ماده ۳۰ قانون مبارزه با مواد



مخدر آمده است که: «کلیه افرادی که به هر نحو اقدام به ساخت یا تعبیه جاسازی جهت حمل مواد مخدر در وسایل نقلیه می نمایند، در صورت وقوع جرم به عنوان معاون در جرم ارتكابی و در غیر آن از سه ماه تا شش ماه حبس و حسب مورد از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می شوند.»

نظر به اینکه به مستفاد از تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است و در هنگام ساخت یا تعبیه جاسازی توسط مرتکب نوع جرم، میزان مواد، زمان ارتکاب و قصد فاعل جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر محرز نمی باشد. لذا بهتر می بود عبارت

معاونت از متن تبصره ماده مذکور حذف می گردید تا منطبق با اصول و موازین مندرج در ماده ۴۳ شود.

ه) صدور مجوز از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مواد مخدر

قانونگذار در ماده ۴۱ ساخت، تولید، خرید، فروش، ارسال، نگهداری، ورود، صدور، مصرف و حمل مواد را ممنوع و حسب مورد برای مصارف پزشکی، تحقیقاتی و صنعتی با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول این قانون مستثنی کرده است.

از آنجایی که ماده مزبور وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را مورد خطاب قرار داده و با عنایت به اینکه آیین نامه اجرای این قانون هنوز به تصویب نرسیده لذا باید منتظر نحوه صدور مجوز و مرجع صالح در این وزارتخانه بود. اما با توجه به اینکه تشخیص مصارف پزشکی علی القاعده برعهده پزشک معالج می باشد. لهذا به نظر می رسد پزشکان معالج با استفاده از مجوز اعطایی در این ماده بتوانند برای افرادی که از نظر بیماری نیازمند مصرف مواد مخدر هستند مجوز لازم را صادر نمایند. با تصویب و اجرای این ماده دولت اجازه خواهد یافت مواد مخدر کشف شده از باند های قاچاق را به کشورهای دیگر بفروشد. مضافاً اینکه ایران در زمره کشورهای است که از سوی سازمان ملل مجاز به صادرات و فروش مواد مخدر می باشد.

و) شروع به جرایم مواد مخدر

از آنجایی که معانی دقیق هر یک از

عبارات به کاررفته در قانون مبارزه با مواد مخدر قابل تفکیک بوده و منظور قانونگذار از به کار بردن هر یک از عبارات مذکور جرم تلقی نمودن عملی خاص است و با توجه به اینکه شروع به جرم در قانون مبارزه با مواد مخدر در هیچیک از مواد مورد تصریح قرار نگرفته و با عنایت به اینکه به موجب ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی شروع به جرم در صورتی جرم است که در قانون پیش بینی شده باشد. لذا این امر توسعه و گسترش معانی عبارات مذکور را توسط محاکم موجب شده. مثلاً در مواردی که عمل مشمول عنوان خرید، فروش، خرید برای فروش، ورود یا خروج مواد مخدر قرار نگیرد و مواد نیز در اختیار متهم باشد با احراز این امر که مواد از محلی به محل دیگر منتقل شده عمل وی را حمل تلقی می نمایند. درحالی که هدف قانونگذار از جرم حمل غیر از عمل فوق می باشد و یا چنانچه عمل مشمول هیچیک از عناوین مذکور نباشد از جرم نگهداری برای به کیفر رساندن مرتکب استفاده می شود که این موضوع خلاف رویه معمول و متداول در تفسیر قوانین کیفری (تفسیر به ضرر متهم) می باشد. لذا لازم است قانونگذار با جرم قلمداد نمودن شروع به جرایم مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر از رجوع قضات به چنین تفسیری جلوگیری به عمل آورد.

ز) امحای ادله جرم

قانونگذار در ماده ۲۴ به مراجع انتظامی اجازه داده تا بدون دستور مراجع قضایی نسبت به امحای کشت خشخاش، کوکا و شاهدانه اقدام نمایند.

اولاً؛ این امر مغایر ماده ۱۰ قانون

مجازات اسلامی است. قانونگذار در ماده ۱۰ اختیار معدوم نمودن اشیاء و اموال حاصل شده از جرم را از وظایف مراجع قضائی قرار داده درحالی که برابر ماده ۲۴ قانون سابق الذکر این اختیار به مراجع انتظامی واگذار شده.

ثانیاً؛ با توجه به ماده ۲ قانون مبارزه با مواد مخدر که کیفر جرایم مذکور را براساس میزان کشت این مواد تعیین نموده لذا امحای کشت قبل از صدور حکم، از بین بردن ادله جرم می باشد. مضافاً اینکه محتمل است هدف از کشت شاهدانه تولید مواد مخدر نباشد که در آن صورت احراز قصد مجرمانه که از وظایف اختصاصی مراجع قضائی تلقی می شود به مراجع انتظامی واگذار گردیده که این موضوع خلاف اصول حقوقی می باشد.

فصل سوم - آیین دادرسی جرایم

مواد مخدر

الف) وحدت رویه قضائی در

دادگاههای انقلاب ویژه مواد مخدر

برخی از مواد این قانون به موضوعات قانون آیین دادرسی تعلق دارد. لازم به یادآوری است هرچند در سالهای قبل از اجرای قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر مصوب سال ۵۹ و قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۶۷ نیز دولت جهت برخورد شدید با این معضل اجتماعی صلاحیت رسیدگی به این جرایم را به دادگاههای اختصاصی (نظیر دادرسی و دادگاههای نظامی) واگذار نموده بود. لیکن مسائل شکلی پیش بینی شده جهت اجرای آن قوانین تابع قواعد آیین دادرسی حاکم بر سایر مراجع مشابه بود و در همه حال دادستانی کل کشور و دیوان عالی کشور بر

مرتکب یکی از جرایم خاصوسی نبود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد ننماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۲۰۴ قانون مجازات اسلامی

هر نظامی در ارتباط با خدمت در مقابل مأموران مسلح حین انجام وظیفه آنان بطور تجرئی مقاومت یا به آنان حمله نماید متهم محسوب و به ترتیب زیر محکوم می شود:

۱- هرگاه تمرد یا اشعه صورت گرفته باشد به حبس از دو تا هشت سال.

۲- هرگاه تمرد بدون سلاح به عمل آید به حبس از شش ماه تا سه سال.

تبصره: اگر متهم در موقع تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود.

ماده ۳۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

هر نظامی در ارتباط با خدمت به مجروح یا بیماری که قدرت دفاع از خود را ندارد آزار روحی یا صدمه بدنی وارد نماید، علاوه بر قصاص بدوین، حسب مورد چنانچه این اقدام در مناطق عملیاتی صورت گیرد از سه ماه تا دو سال محکوم می شود و چنانچه مورد از مساعین قصاص بدوین باشد علاوه بر مجازات فوق به مجازات قصاصی بدوین نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۳۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح



عملکرد آن مراجع نظارت داشته و نسبت به رفع تشتت آرای محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی اقدام می نمودند لیکن پس از تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۶۷ دادگاههای انقلاب اسلامی که به زسیدگی به جرایم مواد مخدر اختصاص یافته بودند از نظر نحوه رسیدگی، صدور حکم و سایر مسائل مرتبط به آیین دادرسی

تابع موضوعات شکلی پیش بینی شده در این قانون گردیدند و لذا دیوان عالی کشور (و نه رئیس دیوان عالی کشور) دیگر بر این مراجع نظارتی نداشته و این مراجع از داشتن رویه ثابت و یکنواخت قضائی و نیز نظارت

ارزشمند قضاات سابقه دیوان عالی کشور محروم شدند.

مضافاً اینکه دادگاهها با وجود نواقص و ابهامات موجود در قانون سلابق شخصی را در صدور حکم دخالت داده و موجب دور افتادن از اهداف قانونگذار می گردند. با توجه به اینکه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب حقوق جامعه و متهم را بسیار بهتر از مقررات مندرج در قانون مبارزه با مواد مخدر تأمین می نماید، اجرای کامل مواد این قانون در دادگاههای ویژه رسیدگی به جرایم مواد مخدر می تواند نواقص و ایرادات موجود را بهتر رفع نماید.

ب) فک یا تخفیف قرار تأمین

به موجب ماده ۳۷ قانون مبارزه با مواد مخدر طول مدت بازداشت موقت به هر حال بیش از چهار ماه نخواهد بود، چنانچه در مدت مذکور پرونده اتهامی منتهی به صدور حکم نشده باشد مرجع

صادر کننده قرار، مکلف به فک و تخفیف قرار تأمین فوق می باشد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای بقای قرار بسازد و وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقا می شود.

این ماده همان تبصره ۲ ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق است که قسمت



اخیر آن حذف شده، مستنبط از قسمت صدر این ماده مراجع قضائی مکلفند پس از چهار ماه چنانچه پرونده منتهی به صدور حکم نشده باشد قرار بازداشت را تخفیف یا تبدیل نمایند. اما قانونگذار در قسمت اخیر ماده به دادگاهها اجازه تمدید قرار بازداشت را با ذکر علل و جهات استمرار قرار داده است. اگرچه ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب این مدت را به یکماه تقلیل داده و برای متهم نیز حق اعتراض قائل شده است. اما با عنایت به اینکه این مواد در مقام تعارض با مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام قابل اجرا نمی باشند. لذا مدت این قرارها در خصوص متهمین جرایم مواد مخدر همان چهار ماه می باشد و از این جهت حقوق دفاعی متهم بیشتر به مخاطره می افتد.

نتیجه گیری:

نظر به اینکه مجمع تشخیص مصلحت

نظام به موجب ماده ۳۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن کلیه امور قضائی را در ستاد مبارزه با مواد مخدر متمرکز نموده، لذا ضروری است مسئولین محترم این ستاد با جلب نظر کارشناسان دستگاه قضائی و اجرایی کشور در جهت رفع نواقص و ایرادات شکلی و ماهوی این قانون همت گمارند.

همچنین با عنایت به اینکه

قاچاق مواد مخدر از جمله جرایم سازمان یافته بین المللی بود که محور و یا حتی محدودیت آن مستلزم همکاری کلیه کشورهای جهان و اجرای کنوانسیونهای ۱۹۶۱ و ۱۹۸۸ ملحق گشته و الحاق به

کنوانسیون ۱۹۷۱ و پروتکل ۱۹۷۲ را نیز در دستور کار خود قرار داده و از آنجایی که تطبیق حقوق داخلی با مقررات بین المللی نزدیک شدن قوانین کشورها و همکاری و معاضدت حقوقی و قضائی بیشتری را جهت مبارزه با این پدیده به دنبال می آورد. لذا تدوین و تطبیق مقررات موجود جهت اجرای اصول مندرج در این کنوانسیونها نظیر تطهیر پول (شناسایی اموال حاصله از طریق جرایم مواد مخدر و جلوگیری از ورود آن به دستگاههای اقتصادی و مالی کشور) کنترل دلیوری (یا محموله های تحت کنترل به منظور شناسایی کلیه اعضای باندهای بین المللی مواد مخدر) نیابت و معاضدت قضائی و استرداد مجرمین (جهت ناامن کردن کلیه کشورها برای ارتکاب این جرایم و جلوگیری از فرار مجرمین جرایم مواد مخدر) می تواند کشور را در مبارزه با این جرایم یاری رساند.